



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اموالکمالات

(ماتر زینبہا)

زینبہا کی سیرت اور احوال پر مشتمل کتاب



تالیف و گرافکس
زینبہا ٹورکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ام الجمال (مادر زیبایی ها)

نویسنده:

زینب نوری

ناشر چاپی:

موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ام الجمال (مادر زیبایی ها)
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	پیشگفتار ناشر:
۱۲	تقدیم نامه
۱۴	مقدمه مولف
۱۶	تشکر نامه
۱۸	بسم رب الشهداء و الصدیقین
۵۳	درباره مرکز

ام الجمال (مادر زیبایی ها)

مشخصات کتاب

سرشناسه : نوری، زینب، 1387-

عنوان و نام پدیدآور : ام الجمال (مادر زیبایی ها) / تالیف و گردآوری زینب نوری.

مشخصات نشر : تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، 1401.

مشخصات ظاهری : 45ص.؛ 14/5×21/5 س م.

شابک : 6-5966-08-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : عنوان روی جلد: ام الجمال (مادر زیبایی ها): زندگینامه حضرت ام البنین سلام الله علیه.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : ام الجمال (مادر زیبایی ها): زندگینامه حضرت ام البنین سلام الله علیه.

موضوع : ام البنین ، - 64ق -- سرگذشتنامه

موضوع : Ommol - banin, - 683 -- Biography

موضوع : ام البنین ، - 64ق -- داستان

موضوع : Ommol - banin, - 683 -- Fiction

موضوع : ام البنین، - 64ق. -- شعر

رده بندی کنگره : BP52/2

رده بندی دیویی : 297/979

شماره کتابشناسی ملی : 9148080

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

بسمه تعالی

ام الجمال (مادر زیبایی ها)

تالیف و گردآوری:

زینب نوری

1401

موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

نام کتاب: ام الجمال (مادر زیباییها)

■

گردآوری و تالیف: زینب نوری

■

ناشر: آموزشی تالیفی ارشدان

■

ویرایش: اول

■

نوبت چاپ: اول 1401

■

حروفچینی و صفحه آرایی:

www.irantypist.com

■

طراح و گرافیک:

www.irantypist.com



شاپک: 6-5966-08-622-978



شمارگان: 1000



مرکز خرید آنلاین:

www.arshadan.com

www.arshadan.net



مرکز پخش و توزیع:

02147625500



قیمت:

صلواتی به زیبایی گلستانی از نرگس نثار قدوم یوسف زهرای

اطهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: 2

به نام ایزد دانا که آغاز و انجام از آن اوست

هرگز دل من زعلم محروم نشد *** کم ماند زاسرار که مفهوم نشد

اکنون که به چشم عقل در می نگرم *** معلوم شد که هیچ معلوم نشد

ای دانای بی همتا، ای بخشنده ایی که ناخواسته عطا فرمایی و هر نیازمندی را به عدالت بی نیاز گردانی، مگر اینکه نالایق باشد و آن عنایت را به باژگونه از دست دهد. در عرصه پیشرفت تکنولوژی در هزاره سوم، هنوز نیاز بر مطالعه کتاب در کنار استفاده از منابع کامپیوتری و اینترنت احساس می شود. از این بابت خوشحالیم که می توانیم در جهت اعتلای علم، دانش و فرهنگ کشور قدمی هر چند کوچک برداریم.

و من الله التوفیق

دکتر شمس الدین یوسفیان

مدیر مسئول انتشارات ارشدان

ص: 3

"بسم رب شهدا و صدیقین"

هیچ تیری بر پیکر شهید اصابت نمی کند.

مگر آن که اول از قلب مادرش گذشته باشد!

یعنی؛

اول،

قلب مادر شهید،

شهید می شود.

با نهایت عشق، غرور، افتخار و شادمانی این کتاب را تقدیم می نمایم:

ابتدا به مادر چهار شهید دشت کربلا حضرت ام البنین سلام الله علیها و سپس به همه ی مادران گرانقدر شهدا که در دانه های شان را در راه حق و خدا فدا نمودند و با نهایت صبوری و شکیبایی و با خون دلبندان شان درخت اسلام را آبیاری و تنومند نمودند به مادرانی که کلمات در وصف صبوری و بردباری آنها ناتوان است.

پس درود بر مادران صبوری و شکیبایی.

مؤلف زینب نوری

14/3/1401

ص: 5

من زینب نوری دختری 13 ساله از استان فارس شهرستان کازرون روستای بناف که علاقه زیادی به نویسندگی دارم و خدا را شکر تا به حال موفق به چاپ دو اثر با نامهای عصر عاشورا و یادگار مادرم زهرا سلام الله علیها شدم.

و اما در روز پنجشنبه مصادف با 12/3/1401، ساعت 10 صبح زمان آن فرا رسیده بود که مانند همیشه به کتابخانه های مجازی سری بزنم و کتاب های جدید و مورد علاقه ام را خریداری و دانلود کنم. که یک لحظه در میان اثر ها چشمم به یک کتاب با عنوان زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام افتاد. به سبب عشق و علاقه و ارادتی که به حضرت ابوالفضل علیه السلام دارم مشتاق شدم و آن کتاب را دانلود کردم. کتاب را که باز نمودم ناگهان چشمم به نام بانوی با کرامت و با فضیلتی افتاد و حالا آن بانو که بود آن بانو مادر سپهسالار عشق حضرت ابوالفضل العباس بانو ام البنین بود.

با دیدن نام این بانوی بزرگوار به طور ناخواسته اشک از چشمانم سرازیر شد و ناگهان صدای خوب و آشنایی جمله ای را در گوشم زمزمه کرد و گفتم: یک کتاب هم درباره بانو ام البنین بنویس

پس از چند دقیقه به خودم آمدم و اشک هایم را پاک کردم و تبسمی بر لب آوردم و گفتم ای به چشم حتما کتابی را درباره زندگی بانو ام البنین مینویسم

با تلاش زیاد موفق شدم اطلاعاتی را درباره این بانوی بزرگوار به دست آورم و نوشتن این کتاب را آغاز کنم.

و این بود از قصه روز پنجشنبه من و انگیزه نوشتن این کتاب.

مولف زینب نوری

14/3/1401

ص: 7

در سرزمین خاطره ها آنان که خوبند همیشه سبزند

و آنان که محبت ها و دوستی ها بر قلبشان بر افراشتند

همیشه به یاد می مانند

نهایت سپاس و تشکر را دارم محضر تمامی عوامل موسسه تالیفی چاپ ارشدان به ویژه ناشر بزرگوار این موسسه آقای دکتر شمس الدین یوسفیان و مدیر بزرگوار این موسسه خانم دکتر زهرا شهاب موحد که به من لطف کردند و در نوشتن و چاپ هر سه کتابم با نام های عصر عاشورا، یادگار مادرم زهرا سلام الله علیها (حجاب) و این کتاب مرا یاری نمودند و همچنین تشکر دارم خدمت پدر و مادرم (خاله و عمو جانم) جناب آقای کربلایی نعمت الله نوری و سرکار خانم کربلاییه ماه خانم نوری که همیشه و در تمام مراحل زندگی من را یاری و همراهی نمودند و همواره حامی من هستند.

دوستانرتان زینب نوری

ص: 9

موضوع این کتاب درباره ی بانو ام البنین اسطوره ی ایثار و شهادت است پس خرسند است تسلیتی داشته باشم محضر خانواده های داغدیده حادثه دلخراش تروریستی حرم احمد بن موسی شاهچراغ در تاریخ 04/09/1401

تقدیم به این عزیزان:

تا قلبی زائر را تب میخانه ای برداشت *** رزق شهادت آمد و پیمانۀ ای برداشت

حال و هوای پر کشیدن داشت در سجده *** از مُهرِ تربت بوسۀ جانانه ای برداشت

زائر زمین خورد و سلامی داد بر ارباب *** فرش حرم را خونِ مظلومانۀ ای برداشت

شیراز شد لبریز از عطر گل لاله *** لبخند را اشک از گلِ ریحانۀ ای برداشت

رفت و پدر بعدِ نمازش تیرباران شد *** داغی سرآسیه ستون از خانه ای برداشت

یک مادر و فرزند عاشقانه جان دادند *** پیمانۀ آمادۀ را دردانه ای برداشت

دست قضا محض تبرک خواستن آمد *** از چادری غرقِ به خون پروانۀ ای برداشت

بر شانه اش دست خدا حس می کند امروز *** با هر زبان هر که غمی از شانه ای برداشت

لعنت به هر که بر حماقت ها فراخوان داد *** لعنت بر آنکه بیرق بیگانه ای برداشت!

شاعر مرضیه عاطفی

در پی حادثه ی تروریستی حرم احمد بن موسی شاهچراغ و شهادت جمعی از زائران دل تمامی ملت شریف ایران و همه ی مسلمانان جهان به درد آمد و غمی بس سنگین را بردوش ملت غیور ایران گذاشت ولیکن ملت شریف و بیدار ما را آگاه تر از همیشه ساخت شهادت همیشه در وجود ما ایرانیان است و نیز ما ایرانیان با همین جانفشانی ها کشورمان و دینمان را تا به حال پا بر جا و سرافراز کرده ایم و در مقابل همه ی تفرقه افکنی های خصمانه ی دشمنان مقابله کرده ایم و شهادت هنر مردان خدا است و خوشا به سعادت کسانی که در این راه قرار می گیرند و شربت شهادت را می نوشند.

من زینب نوری کنیز و خدمت گزار تمامی ملت شریف ایران شهادت جمعی از هموطنان عزیزمان را در حرم شاهچراغ به خانواده های داغدار این عزیزان تبریک و تسلیت عرض می نمایم، تبریک عرض می نمایم چرا که خداوند مقام شهادت را برای هر کسی مقدر نمی کند ولیکن عزیزان شما به این درجه ی با ارزش معنوی و ملکوتی رسیده اند و تسلیت عرض می نمایم چرا که داغ عزیز بس بزرگ است و سخت و برای بازماندگان این عزیزان از خداوند صبر زینبی سلام الله علیه را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: 12

من زینب نوری تصمیمم را بر این گرفته ام که این کتاب را به صورت رایگان در اختیار تمامی عاشقان مکتب اهل بیت قرار دهم تا آنان نیز بتوانند از مطالعه ی این کتاب بهره ای ببرند و من هم نیز توانسته باشم خدمتی هر چند کوچک در راه شناخت مادر زیبایی ها حضرت ام البنین سلام الله علیه و فرزند بزرگوارشان سپهسالار عشق حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام انجام داده باشم از شما مخاطبان عزیز که این کتاب را مطالعه می کنید تمنا دارم که اگر خواندن این کتاب برایتان مفید بوده است برای عاقبت بخیری تمام نوجوانان کشورم ایران زمین و خود من نیز دعا نمایید و خوشبختی و سعادت ما نوجوانان را از خداوند متعال و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نیز خواستار باشید و مهمتر از همه برای تعجیل در ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا نمایید.

پس قیمت کتاب: صلواتی به زیبایی گلستانی از نرگس نثار قدوم یوسف زهرای اطهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

السلام ای مادر ایثار یا ام البنین *** دلخوشی حیدر کرار یا ام البنین
وقت توصیف تو ای بانو زبان ها لال شد *** مدح تو بالاتر از گفتار یا ام البنین
جز تو در عالم کدامین زن برای زینب است *** بعد زهرا بهترین غمخوار یا ام البنین
تو همانی که به عشق قبله عالم حسین *** تربیت کردی سپهسالار یا ام البنین
خوش به حال هر که چون تو غیر گریه بر حسین *** تا دم آخر ندارد کار یا ام البنین
مادر یل ها سرت را تا ابد بالا بگیر *** دست از شرمندگی بردار یا ام البنین
جان عباست بیا بس کن، برایت خوب نیست *** گریه با این چشم های تار یا ام البنین
بیشتر از هرچه غم در سینه ات داری تو را *** پیری زینب دهد آزار یا ام البنین
خوب شد ماندی، ندیدی که حسین افتاده بود *** بین مقتل تشنه و بی یار، یا ام البنین
خوب شد ماندی ندیدی زینب افتاد از نفس *** از حرم تا قتلگه صد بار، یا ام البنین

خوب شد ماندی ندیدی خیمه ها می سوخت در *** آتش بین در و دیوار یا ام البنین

خوب شد ماندی ندیدی کاروان را بی حسین *** در میان کوچه و بازار یا ام البنین

خوب شد ماندی ندیدی بر فراز نیزه ای *** خورده از پهلو سر سردار یا ام البنین

خوب شد ماندی ندیدی خنده مستانه بر *** اهل بیت احمد مختار یا ام البنین

محمد حسین رحیمیان

مقدمه را با شعری آغاز کردم که قطع به یقین می تواند ذره ای از فداکاری ها و خوبی های حضرت ام البنین فاطمه را به ما نشان دهد حضرت ام البنین سلام الله علیها به سبب بردباری و شکیبایی و استقامتی که در راه خداوند از خود نشان دادند قطعا در نزد خداوند جایگاه غیر قابل توصیفی دارند و علاوه بر خداوند به سبب جانفشانی ها و از خودگذشتگی هایی که در راه دین و آزادگی از خود نشان دادند در قلب همه مسلمانان جهان و همه آزادگان و آزادگان دنیا نیز جایگاه خاصی پیدا نمودند و بسیاری از مسلمانان می کوشند که از هر طریقی به این بانوی بزرگوار خدمت کنند خود من هم همین هدف را دارم به عقیده من حضرت ام البنین سلام الله علیها نیز می توانند الگوی ما بانوان باشند که قطعا تا به حال هم این چنین بوده و خواهد بود و مادران و همسران شهدا نیز با قرار دادن ایشان به عنوان الگوی خود توانستند از همسر و فرزندانیشان در راه خدا بگذرند و ایستادگی در راه شرافت و آزادگی را در جهان به نمایش بگذارند و توانستند با این کار مقداری از ظلم و زورگویی را در جهان کاهش دهند و به دیگر مردمان بیاموزند که در مقابل ظلم سکوت نکنند حتی

اگر به قیمت خون و جانشان باشد و این همان هدفی بود که امام حسین علیه السلام به خاطر آن قیام کردند و بله حضرت ام البنین نیز الگوی از صبوری و از خودگذشتگی هستند که این ویژگی ها را نیز به دیگر زنان هم آموختند.

مؤلف زینب نوری

1401/3/15

ص: 17

حزام بن خالد دلاور مردی بود از قبیله ی کلاب از قبیله ای که از اجداد بزرگ رسول خدا بودند قبیله ای که به شجاعت و دلاوری، ادب و متانت، بزرگ منشی، دستگیری از مظلوم، ایثارگری و در تیر اندازی نیز زبان زد خاص و عام بودند و در میان قبایل عرب نیز احترام و جایگاه خاصی داشتند و پس از خاندان قریش نیز آنان از برترین قبیله ها در میان اعراب بودند و نه تنها اعراب بلکه در میان همه ی مردم دنیا نیز قابل احترام بودند سپس حزام بن خالد با دختری از قبیله ی کلاب به نام ثمامه (لیلی) دختر سهیل بن عامر بن جعفر بن کلاب ازدواج نمودند و سرانجام و نتیجه ی این ازدواج این شد که روزی جناب حزام همراه با عده ای از کلابی ها به سفر رفتند در هنگام شب وقتی که جناب حزام به خواب فرو رفته بودند در خواب دیدند که در جایی سرسبز نشسته اند و مرواریدهای زیبایی در اطراف و در دست ایشان است و ایشان با تعجب و حیرت به آن مروارید های زیبا می نگریستند که ناگهان مردی به نزدشان آمد و از ایشان پرسید قیمت این مروارید ها چقدر است؟ این مروارید ها را به من بفروش جناب حزام گفتند: قیمت این مروارید ها را نمی دانم شما این مروارید ها را به چه قیمتی از من می خرید؟ آن مرد هم گفت: قیمت این مروارید ها را نمی دانم اما می دانم که این مروارید ها هدیه یکی از پادشاهان است و ارزش آن ها بیشتر از پول است جناب حزام پرسیدند: مگر ارزش این مروارید ها چیست؟ آن مرد گفتند ارزش آن ها شرافت و سیادت و جاودانگی است جناب حزام گفتند: آیا شما این موضوع را برای من تضمین می کنید آن مرد گفتند: «آری» و حزام در پایان به مرد گفت: آیا تو اکنون در این امر مرا واسطه می شوی مرد گفت: بلی او را به من اعطا کرده اند و من به تو اعطا می کنم ناگهان جناب حزام از خواب برخاستند و خوابشان را برای همراهانشان تعریف کردند و خواستار تعبیر آن شدند یکی از همراهانش به او گفت: تعبیر خوابت این است که صاحب دختری خواهی شد و دخترت با مرد

بزرگی ازدواج خواهد کرد و به وسیله ی آن نام تو تا ابد جاودانه خواهد شد و بله تعبیر این خواب درست بود و جناب حزام و ثمامه خانم صاحب دختری شدند که جناب حزام نام دخترشان را فاطمه گذاشتند و خداوند را بخاطر این هدیه شکر کردند(1) ام البنین (فاطمه) در آغوش پر مهر مادرشان ثمامه خانم و پدر بزرگوارشان جناب حزام پرورش یافتند و فاطمه سلام الله علیها ام البنین از مادرشان که بانوی ادیب و کامل و عاقل بودند آداب و رسوم عرب و هر آنچه مورد نیاز یک دختر است از جمله مسائل مربوط به خانه داری و آدای حقوق و همسر داری و... را یاد گرفتند و به یک بانوی خوب و با کمالات تبدیل شدند بانویی که در میان مردم به پاکدامنی و ادیب بودن مشهور بوده و سرآمد زنان عرب بودند و حالا ایشان شایستگی این را پیدا کرده بودند که به همسری حضرت علی علیه السلام انتخاب شوند 10سالی نیز از شهادت ریحانه النبی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها گذشته بود که حضرت فاطمه سلام الله علیها به حضرت علی علیه السلام وصیت کرده بودند که حضرت علی علیه السلام پس از مرگشان ازدواج مجدد کنند حضرت علی علیه السلام تصمیم به ازدواج دوباره گرفتند اما هدف اصلی امام علی علیه السلام از

ص: 20

1- کتاب آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین سلام علیها برگزیده از کتاب چهره ی درخشان قمرینی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام، مولف: مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه 11- کتاب ماه ترین: تحقیق در زندگی نامه و کرامات حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، نویسنده: باقر شریف قریشی مترجمان محمد صالحی، غلامرضا حمصیان کاشانی انتشارات موعود عصر عج الله تعالی فرجه الشریف صفحه 25 - کتاب مادر فضیلت ها زندگینامه ام البنین سلام علیه نویسنده: علی آقاجانی قناد، تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما مشخصات نشر: قم مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1385 صفحه 14 - کتاب مادر مهتاب: نویسنده: واحد تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 12، 11 - کتاب پرجمدار نینوا: تحلیلی از زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، نویسنده: محمد مهدی اشتهاردی، انتشارات: کتاب جمکران صفحه 16 - کتاب زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، اثر: علامه محقق شیخ باقر شریف قریشی، ترجمه: سید حسن اسلامی صفحه 11

ازدواج مجدد این بود که صاحب فرزندان پسری شوند که با لیاقت و شجاع باشند و در روز عاشورا فرزندان امام حسین را یاری نمایند به همین سبب حضرت علی علیه السلام برادرشان عقیل علیه السلام را به نزد خود فرا خواندند و به ایشان فرمودند: برادر جان من تصمیم به ازدواج مجدد دارم از شما خواستارم که برای من زنی را انتخاب نمایی که از نسل دلیر مردان باشد تا من با او ازدواج کنم و از او صاحب پسری شجاع شوم تا در روز عاشورا فرزندم حسین علیه السلام را یاری دهد حضرت عقیل علیه السلام با شنیدن این حرف از امام علی فرمودند برادر جان دختری را می شناسم از قبیله ی کلاب از قبیله ای که در دلیری و شجاعت زبان زد خاص و عام اند و دارای سایر ویژگی های اخلاقی بی نظیر دیگری چون ادب و متانت، ایثارگری و،،،،، هستند نام آن دختر هم فاطمه است آن دختر فرزند حزام بن خالد است و او نیز دختری زیبا، خوش رو و با کمالات است امام نیز با شنیدن سخنان عقیل این وصلت را قبول نمودند و حضرت عقیل را برای خواستگاری از فاطمه به نزد خانواده اش فرستادند حضرت عقیل به نزد جناب حزام رفتند و جناب حزام هم که مردی مهمان نواز بود به رسم عرب ها به مدت سه روز از حضرت عقیل پذیرایی کردند و سپس در روز سوم و با کمال ادب و احترام از حضرت عقیل پرسیدند که چرا به نزد ما آمده اید حضرت عقیل نیز فرمودند ای جناب حزام من برای خواستگاری از دخترتان فاطمه برای برادرم امیرالمومنین علی علیه السلام به نزد شما آمده ام نظر شما در این باره چیست؟ جناب حزام که از شنیدن این موضوع حیرت زده شده بودند با کمال راستگویی و صداقت گفتند: به چه نسب شریفی و چه خاندان با مجد و عظمتی! اما ای عقیل شان امیر المومنین یک زن بادیه نشین با فرهنگ ابتدایی بادیه نشینان نیست و امیرالمومنین بایست با زنی با فرهنگ تر ازدواج نمایند حضرت عقیل در جواب به حزام گفتند امیرالمومنان خودشان این موضوع را می دانند و با این حساب

علاقه مند به ازدواج با دختر شما شدند جناب حزام که نمی دانستند در جواب حضرت عقیل علیه السلام چه بگویند به عقیل گفتند بگذارید تا از نظر دخترم و مادرش هم نیز آگاه شوم و سپس به شما اطلاع خواهم داد جناب حزام به نزد دختر و همسرشان رفتند و همسرشان را در حال شانه کردن موهای دخترشان دیدند هنگامی که همسرش موهای دخترش را شانه می کرد دخترش هم نیز خوابی را که دیشب دیده بود را برای مادرش بازگو می کرد فاطمه سلام الله علیها گفتند مادر جان دیشب در خواب دیدم که در باغی زیبا و سرسبز نشسته ام و دیدم که نهلهایی در اطراف من روان بود و درختان و میوه های فراوانی در اطراف من بود و ماه و ستارگانی در حال درخشیدن بودند و من به آنها خیره شده بودم و در اندیشه بزرگی و عظمت و آفریده های خداوند بودم که در آن هنگام ماه از آسمان فرود آمد و در دامن من افتاد که آن ماه بسیار درخشان بود آنقدر درخشان بود که چشم ها را به سمت خود می دوخت همانطور که مشغول دیدن آن ماه زیبا بودم و از این اتفاق متحیر بودم ناگهان به دنبال آن سه ستاره نورانی دیگرهم در دامنم افتاد و من نیز دوباره هیجان زده و متحیر شدم که ناگهان ندایی را شنیدم که مرا صدا زد و من صدایش را می شنیدم اما او را نمی دیدم و آن صدا می گفت: بشراک فاطمه ثلاثه انجم و الزاهر بساده الغرر القمر ابوهم سید فی بعد الرسول کذا قد الخلق قاطبه جاء فی الخبر

ترجمه: فاطمه مژده باد تو را به سیادت و نورانیت به ماه نورانی و سه ستاره درخشان که پدرشان سید و سرور همه انسان هاست بعد از پیامبر گرامی و اینگونه در خبر آمده است. مادر جان سپس من از خواب برخوامم مادر جان تعبیر خواب من چیست؟ مادر به دختر دانا و عاقلش گفت: دخترم تو به زودی با مردی نامدار و بلند قدر و بزرگوار ازدواج خواهی کرد و به ثمره ی این ازدواج صاحب چهار پسر خواهی شد که اولین فرزندت چهره اش روشن است همانند ماه تابان و سه فرزند دیگرت هم نیز همچون ستاره می درخشند پس از پایان

صحبت های شیرین این مادر و دختر، جناب حزام وارد اتاق می شود و به آنان می گوید که: ای عزیزانم مولایمان امام علی علیه السلام برادرش عقیل را برای خواستگاری از دخترم فاطمه سلام الله علیها فرستاده سپس حزام گفتند: ثمامه آیا تو فکر میکنی که دخترمان فاطمه شایستگی ازدواج با امیرالمومنین را دارد؟ ثمامه بدان که خانه ی مولای متقیان خانه ی وحی و نبوت و علم و حکمت و ادب است اگر دختری را اهل و لایق این خانه می دانی که خادمه این خانه باشد قبول کنیم اما اگر اهلیت را در او نمی بینی پس قبول نخواهیم کرد؟ ثمامه خانم که قلبی سرشار از عشق به ائمه اطهار و خاندان نبوت و امامت داشتند گفتند: ای حزام به خدا سوگند که من او را خوب تربیت نموده ام و از خدای متعال تقدیر او را چنین خواستم که در دنیا و آخرت خدمت به مولایمان امام علی علیه السلام نصیب او گردد پس ای حزام به این وصلت خوب و مبارک آری بگو. سرانجام و پس از رضایت بانو ام البین و حضرت علی حضرت عقیل نیز صیغه ی عقد و محرمیت را بین این دو بزرگوار جاری نمودند و با همان مهریه ای که پیامبر خدا برای دختران و همسران خود معین کرده بودند یعنی 500 درهم وصلت بین این دو بزرگوار صورت گرفت در حالی که جناب حزام گفتند: فاطمه هدیه ای از جانب ما برای پسر عموی رسول خدا است و ما به

و پس از اینکه ازدواج آنها انجام شد فاطمه (ام البنین سلام الله علیه) به خانه ی امیر المومنین رفتند و آنقدر با ادب و با وقار بودند که فرمودند: من وارد خانه ی علی نخواهم شد تا زمانی که دختر بزرگ فاطمه زهرا سلام الله علیها به من اذن ورود به خانه شان را دهد، سرانجام و با اجازه ی دختر بزرگوار امام علی علیه السلام، فاطمه (ام البنین) وارد خانه شد در آن هنگام او متوجه شد که فرزندان دختر رسول الله امام حسن و امام حسین علیهم السلام در بستر بیماری اند به محض اینکه این را متوجه شد خود را بر بالین این دردانه های عالم رساندند و از آنها پرستاری نمودند و در هنگام

ص: 24

-
- 1- کتاب مادر فضیلت ها زندگی نامه ام البنین سلام، نویسنده: علی آقا جانی قناد تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما مشخصات نشر قم مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما 1385 صفحه 20 - کتاب ماه ترین: تحقیق در زندگی نامه و کرامات حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، نویسنده: باقر شریف قریشی، مترجمان: محمد صالحی، غلامرضا حمصیان کاشانی، انتشارات موعود عصر عرج الله تعالی فرجه الشریف صفحه 28 - کتاب پرچمدار نینوا:، تحلیلی از زندگانی حضرت عباس علیه السلام، نویسنده: محمد مهدی اشتهاوردی، انتشارات کتاب جمکران صفحه 16، 17، 18، 19 - کتاب ماه منیر حامی دین ابوالفضل علیه السلام، نویسنده: علی محمد سلطانی گردفرامری صفحه 17، 18 - کتاب آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین سلام الله علیها برگزیده از کتاب چهره ی درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام نویسنده: مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه 3 - کتاب زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام اثر علامه محقق حاج شیخ باقر شریف قریشی ترجمه سید حسن اسلامی صفحه 12 - کتاب سقای آب و ادب نویسنده: سید مهدی شجاعی انتشارات کتاب نیستان صفحات 19، 20، 21، 22، 26، 27
- 2- کتاب آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین سلام الله علیها برگزیده از کتاب چهره ی درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام، نویسنده: مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه 4 - کتاب زندگی نامه مادر مهتاب حضرت ام البنین، نویسنده: واحد تحقیقات مرکز رایانه ای قائمیه اصفهان ناشر چاپی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 15، 16 - کتاب ماه منیر حامی دین ابوالفضل علیه السلام نویسنده: علی محمد سلطانی گرد فرامری صفحه 20، 21 - کتاب پرچمدار نینوا تحلیلی از زندگانی حضرت عباس علیه السلام، نویسنده: محمد مهدی اشتهاوردی انتشارات کتاب جمکران صفحه 20

پرستاری همواره می گفتند که من کنیز و خادم فرزندان دختر پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم هستم سرانجام بانو ام البنین در 4 شعبان سال 26 هجری نخستین فرزند خود حضرت ابوالفضل علیه السلام را به دنیا آوردند هنگامی که مژده متولد شدن سپهسالار عشق حضرت ابوالفضل العباس را به امام علی علیه السلام دادند ایشان به سرعت خودشان را به خانه رساندند و نوزاد تازه متولد شده را به آغوش کشیدند و غرق در بوسه کردند و به رسم و سنت اسلامی در روز هفتم تولدش گوسفندی را قربانی نمودند و گوشت آن را بین فقرا تقسیم نمودند امام علی علیه السلام به سبب اینکه می دانست فرزندش جنگاوری دلیر خواهد شد و می دانست که فرزندش یکی از قهرمانان اسلام خواهد شد بدین وسیله فرزندش عباس را (دژم=شیر بیشه) نامیده بود و او را به این اسم صدا می زدند. امام علی علیه السلام بسیار حضرت عباس را دوست می داشتند و همیشه او را می بوسیدند روزی حضرت ام البنین سلام الله علیه دیدند که امام علی حضرت عباس را که یک کودک خرد سال بوده را در آغوش کشیده و او را به روی زانوان خود نشانده و آستین های او را بالا زده اند و شروع به بوسیدن دستان مبارک وی کرده و می گریند حضرت ام البنین هراسان و با ترس و اندوه وارد اتاق شدند و پرسیدند: ای مولای من؛ چرا اینگونه می کنید؟ امام علی با گریه فرمودند: زیرا هنگامی که به سرنوشت دستان او می نگریم اشک از چشمانم سرازیر می شود ام البنین دوباره پرسیدند چرا؟ مگر چه بر سر پسر خواهد آمد؟ امام علی علیه السلام نیز ماجرای کربلا را برای ایشان تعریف نمودند و حضرت ام البنین شروع به گریستن کردند و گفتند: خدا یا شکرت، زیرا فرزند من فدای اسلام و سبط پیامبر و برادرش حسین علیه السلام خواهد شد (1).

ص: 25

1- کتاب زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، اثر: علامه محقق حاج شیخ باقر شریف قریشی ترجمه سید حسن اسلامی صفحه 13 - کتاب زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین علیه السلام، نویسنده: واحد تحقیقات مرکز رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 16، 17 - کتاب ماه ترین تحقیق در زندگینامه و کرامات حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نویسنده باقر شریف قریشی مترجمان محمد صالحی و غلامرضا حمصیان کاشانی انتشارات: موعود عصر عج الله تعالی فرجه الشریف صفحه 22، 23

رابطه حضرت ام البنین با حضرت عباس علیه السلام چنان دوستانه بود که ایشان می گفتند: ای فرزندم عباس تو را از شر حسودان به خدا می سپارم (1) سرانجام و پس از تولد حضرت عباس حضرت ام البنین و حضرت علی علیه السلام صاحب سه پسر دیگر با نام های عبدالله، جعفر و عثمان شدند (2).

و به همین سبب روزی فاطمه سلام الله علیها به حضرت علی علیه السلام گفتند: ای مولای من از این پس مرا بجای فاطمه ام البنین صدا بزن زیرا هنگامی که تو مرا فاطمه صدا می زنی دردانه های ریحانه النبی به یاد مادرشان فاطمه زهرا سلام الله علیها می افتند و اندوهگین می شوند و رنج بی مادری آنها را آزار خواهد داد و من این را دوست ندارم پس از این به بعد مرا ام البنین (مادر پسران) بخوان حضرت علی نیز که از بزرگواری همسر خود آگاه بودند نیز به همسرشان بسیار احترام می گذاشتند و همواره او را می ستودند (3).

ص: 26

-
- 1- کتاب ماه ترین نویسنده باقر شریف قرشی صفحه 28، 27- کتاب پرچمدار نینوا تحلیلی از زندگانی حضرت العباس علیه السلام نویسنده محمد مهدی اشتهااردی انتشارات کتاب جمکران صفحه 19، 20
 - 2- کتاب آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین سلام علیه نویسنده مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه 10- کتاب مادر مهتاب نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 16
 - 3- کتاب مادر مهتاب نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 16- کتاب پرچمدار نینوا تحلیلی از زندگانی حضرت عباس نویسنده محمد مهدی اشتهااردی انتشارات کتاب جمکران صفحه 19، 20

شعری از مهدی نظری در وصف شان و منزلت بانو ام البنین تا به این قسمت از زندگیشان

قسمت این بود که تو محرم حیدر باشی *** به علی مونس و هم خانه و همسرباشی

قسمت این بود که در زندگی مشترکت *** به عزیزان دل فاطمه مادر باشی

آفرین بر تو که هنگام ورودت گفتمی *** آمدی خادمه خانه کوثرباشی

قسمت این بود که در بین تمامی زنان *** توفیقت صاحب یک ماه و سه اخترباشی

قمرت یک نفره لشگر انصار خداست *** پس عجب نیست که تو مادر لشگر باشی

خاک این خانه تو را قبله حاجات کند *** متعجب نشوگر شافع محشرباشی

غم این خانه زیاد است زیاد *** سعی کن مرهم زخم دل دخترباشی

این یتیمان همه به واژه در حساس اند *** نکند در بزند و تو پس در باشی

چار تا بچه این خانه همه مادری اند *** نکند تب بکنی گوشه بستر باشی

سعی کن بیشتر از زینب و کلثوم و حسن *** فاطمه دور و بر این شه بی سرباشی

سعی کن ثانیه ای تشنه نماند این گل *** یار این سوخته دل تادم آخرباشی

و این است شان بانوی خوبی ها آیا بالاتر از این شان و منزلتی هم هست؟ و خوشا به سعادت بانو ام البنین

سرانجام در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان امام علی به دست ابن ملجم مرادی در محراب ضربت خورده و در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان امام علی نیز به شهادت رسیدند (1)(2) امام نیز قبل از شهادتشان دست امام حسین را در دست حضرت عباس گذاشتند و از حضرت عباس خواستند که یار و یاور امام حسین باشد.

پس از شهادت مولای متقیان بانو ام البنین به درجه همسر شهید بودن نیز نائل آمدند بانو ام البنین آنچنان به حضرت علی علیه السلام وفادار بودند که با وجود اینکه بسیار جوان بودند به حرمت و احترام حضرت علی علیه السلام تا آخر عمرشان ازدواج نکردند و این رفتار این بانوی بزرگوار باعث شد که چهار همسر دیگر حضرت علی نیز تا آخر عمرشان ازدواج مجدد نکنند و این بود از عشق و علاقه و ارادت بانو ام البنین نسبت به همسر بزرگوار خویش امام علی علیه السلام (3)، سرانجام

و پس از چند سال بالاخره زمان آن رسیده بود که امام حسین علیه السلام برای یاری و هدایت مردم و مقابله با ظلم و ستم از مدینه راهی مکه و سپس

ص: 28

1- کتاب مادر فضیلت ها نویسنده علی قناد آقاجانی تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما مشخصات نشر قم مرکز پژوهش های اسلامی صدا سال 1385 صفحه 32

2- کتاب ماه منیر حامی دین ابوالفضل ع نویسنده علی محمد سلطانی گرد فرامرزی صفحه 48

3- کتاب آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین برگزیده از کتاب چهره ی درخشان قمربنی هاشم ابوالفضل العباس علیه ابوالفضل العباس علیه السلام مولف مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه 9- کتاب مادر مهتاب نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 19

از آنجا راهی عراق شوندهنگامی که امام قصد ترک مدینه را داشتند مردم را برای مقابله با ظلم و ستم فرا می خواندند و در این راه بانوام البنین نیز بسیار امام را یاری می نمودند و به مردم می گفتند: ای مردم شما نیز چشم و دل مولایمان امام حسین علیه السلام و فرمانبردار او باشید و مردم را برای یاری امام حسین علیه السلام فرا می خواندند.

به همین سبب نیز خودشان چهار فرزند دلیرشان را همراه با امام حسین علیه السلام عازم دشت بلا نمودند چهار پسر که هر کدام همانند شیر بودند(1).

و یکی پس از دیگری به میدان رفته و شهید شدند ابتدا عبدالله که جوانی 25ساله بود به میدان نبرد رفت همانند شیر با شجاعت و دلیری مبارزه نمودند و سرانجام به شهادت رسیدند هنگامی که عبدالله به شهادت رسیدند بانوام البنین علاوه بر اینکه همسر شهید بودند مادر شهید هم شدند اما خودشان در مدینه بودند و از این موضوع بی خبر بودند سپس فرزندش جعفر که جوانی 19ساله بود به میدان رفته و با تمام توانش در مقابل دشمنان جنگید و سرانجام به درجه رفیع شهادت نائل آمد این دومین فرزند بانوام البنین بود که همانند شیر با شجاعت و رشادت در کنار برادرشان امام حسین جنگیدند و در راه خدا شهید شدند و حضرت ام البنین از شهادت جعفر هم مانند عبدالله بی خبر بود پس از جعفر، عثمان که جوانی 21ساله بود به میدان نبرد رفت و مانند برادرانش با شجاعت و صلابت دلاوری کرد و به شهادت رسید و پس از شهادت این سه دلیر مرد شجاع نوبت به سقای دشت کربلا رسید(2).

ص: 29

1- کتاب مادر مهتاب نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 17

2- کتاب امام حسین نوری از انوار هدایت جلد سوم ص 357

نوبت به کسی رسید که تا او در کنار امام بود امام احساس تنهایی نمی کرد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نیز که شهادت سه برادرش و برادر زادگانش را دیده بود دیگری صبری برایش نمانده بود هنگامی که در خیمه گاه التهاب و تشنگی به اوج خود رسیده بود به سمت شط فرات رفته تا آبی برای اهل خیمه گاه آورد اما دشمنان از خدا بی خبر این اجازه را به ایشان ندادند و پس از نبردی سخت دست های مبارک آن حضرت را قطع نمودند و سپس تیری به چشمش زدند و سپس عمودی آهنین به سر مبارک ایشان کوبیدند و دژ (شیر بیشه) امیرالمؤمنین را به شهادت رساندند. به این سبب بانو ام البنین مادر چهار شهید شدند شهیدانی که در راه خدا و حق فدا شده بودند (1)

پس از این اتفاقات امام زین العابدین شخصی به نام بشیر را به نزد بانو ام البنین در مدینه فرستادند تا بانو ام البنین را از شهادت 4 فرزندش مطلع سازند بشیر به ملاقات ام البنین سلام الله علیه رفته و هنگامی که حضرت ام البنین بشیر را دیدند متوجه شدند که او فرستاده امام سجاد است ام البنین سلام الله علیه به بشیر فرمودند: ((ای بشیر، آیا تو از مولایمان امام حسین علیه السلام خبر داری؟)) بشیر نیز ابتدا خبر شهادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را به عرض بانو ام البنین سلام الله علیه رساندند اما بانو ام البنین باز هم سراغ امام حسین علیه السلام را گرفتند بشیر نیز خبر شهادت سه فرزند دیگرش را هم به او داد ولیکن بانو ام البنین باز هم سراغ امام حسین را گرفتند و فرمودند: (یا بشیر آخرینی عن ابي عبدالله عليه السلام اولادی و من تحت الخضراء کُلُّهم فداءً لابی عبدالله الحسين)

ص: 30

((ای بشیر خبر از (امام من) ابا عبدالله الحسین بده فرزندان من و همه آنچه زیر آسمان مینایی است فدای ابا عبدالله الحسین))

سپس بشیر خبر شهادت امام حسین را به ام البنین سلام الله علیه دادند و آن هنگام بانو ام البنین فرمودند: ((قَدْ قَطَّعَتْ نِيَاطَ قَلْبِي)) (ای بشیر رگ قلبم را پاره کردی) و سپس شروع به شیون و ناله کردند و همه ی اینها نشان دهنده محبت و علاقه ی بانو ام البنین نسبت به مولایمان امام حسین است (1)(2)(3)

حضرت ام البنین سلام الله که از هجر و فقدان فرزندان بسیار رنج می کشید هنگامی که خبر شهادت فرزندانش به او داده شد قطع به یقین و بدون هیچ شکی اشک از چشمانش سرازیر می شد آخر مادر است دیگر تاب و تحمل ندارد و چون در شعر گفتن بسیار قوی بودند این چنین می خواندند: ای کسی که فرزند رشیدم عباس را دیدی که همانند پدرش بر دشمنان می تاخت فرزندان علی همه شیر بیشه شجاعت اند شنیدم که بر سر عباسم عمود آهنین زدند در حالی که دست او را قطع نموده بودند و دستی در بدن نداشته آیا اگر عباسم دست بر بدن داشت کسی جرئت جنگیدن با او را داشته؟ (4)

ص: 31

-
- 1- کتاب مادر مهتاب نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 17
 - 2- کتاب مادر مهتاب نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 17
 - 3- کتاب پرچمدار نینوا تحلیلی از زندگانی حضرت عباس نویسنده محمد مهدی اشتهاوردی انتشارات کتاب جمکران صفحه 21
 - 4- آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین سلام علیه برگزیده از کتاب چهره ی درخشان قمربنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام نویسنده مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه ص 13

سرانجام حضرت زینب سلام الله علیها به مدینه بازگشتند هنگامی که بانو ام البنین را دیدند به او تسلیت گفتند و سپر خونین حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را به او دادند بانو ام البنین هنگامی که آن سپر را دید بی تحمل شد و از هوش رفت و بر زمین افتاد(1)

و پس از واقع عاشورا بانو ام البنین هم نیز مانند حضرت زینب سلام الله علیها کوشیدند که هدف امام حسین علیه السلام از قیام عاشورا به گوش مردم برسانند حضرت زینب سلام الله علیها با سخنرانی در کاخ یزید حقیقت را به عرض مردم رساندند(2) اما روش بانو ام البنین نیز کمی متفاوت تر بود بانو ام البنین هر روز همراه با نوه اش عبیدالله پسر حضرت عباس علیه السلام به قبرستان بقیع می رفتند عبیدالله و مادرش نیز در صحنه ی کربلا حضور داشتند و سند آشکاری برای تعریف وقایع آن روزها بودند به این سبب بود که بانو ام البنین نیز با ایشان به قبرستان بقیع می رفتند بانو ام البنین با شعر خوانی و مرثیه سرایی چنان غوغایی در بقیع به پا می کردند که همه ی مردم به دور آنان حلقه می زدند.

بانو ام البنین در شعرهای خود از دلاوری ها و رشادت های امام حسین علیه السلام و یارانش سخن می گفتند و مردم را از بی رحمی و ذات کثیف امویان آگاه می ساختند و بانو ام البنین نیز اینگونه قیام عاشورا را برای مردم بازگو می کردند به گونه ای که حتی مروان که در آن زمان حاکم شهر مدینه بود نیز به آنان ملحق می شد و می گریست که امام باقر علیه السلام در این باره

ص: 32

1- کتاب زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین سلام علیه نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 17

2- کتاب امام حسین نوری از انوار هدایت جلد سوم ص 185

می فرمایند: آن حضرت به بقیع می رفت و آنقدر جانسوز مرثیه می خواند که مروان با آن قساوت قلب گریه می کرد(1)

برخی از مرثیه ها و شعر هایی که بانو ام البنین می خواندند مورد توجه مورخان نیز قرار گرفته و آن را در تاریخ ثبت کرده اند و این اشعار مورد تحسین بزرگان ادب قرار گرفته از جمله آن شعر ها این شعری است که در وصف شهادت 4 فرزند خود خوانده بودند و از رنج و سختی که خود می کشیدند گفته اند و این شعر این است:

لا تدعونی ویک ام البنین تذکرینی بلیوث العرینکانت بنون لی ادعی بهم و الیوم اصبحت و لا من بنیناربعه مثل نسور الرّبی قد واصلوا الموت بقطع الوتین

«مرا ام البنین نخوانید که به یاد شیران دلاور می افکنیدم. مرا فرزندان بود که به نام آنها خوانده می شدم ولی امروز فرزندی ندارم. چهار فرزند داشتم همچون بازهای شکاری و همگی به شهادت رسیدند.»(2)

ص: 33

1- کتاب آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین سلام علیه السلام برگزیده از کتاب چهره ی درخشان قمرینی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام اثر مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه 10 کتاب زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین سلام علیه السلام نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 17 کتاب مادر فضیلت ها زندگینامه ام البنین سلام علیه السلام نویسنده علی آقاجانی قناد صفحه 41 و 42

2- کتاب آشنایی با زندگانی حضرت ام البنین سلام علیه السلام برگزیده از کتاب چهره ی درخشان قمرینی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام اثر علامه حجت الاسلام والمسلمین ربانی خلخالی صفحه 11 کتاب مادر فضیلت ها زندگینامه ام البنین سلام علیه السلام نویسنده علی آقاجانی قناد ص 43 کتاب زندگینامه مادر مهتاب نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 20

و بانو ام البنین اینگونه از قیام عاشورا پاسداری کردند بانو ام البنین آنقدر دانا و دارای علم و فرهیختگی بودند که دانایی و فضیلت ایشان از تربیت 4 فرزند شهیدشان آشکار می شود و فقط مادری می تواند چنین فرزندان را تعلیم دهد که خودش نیز از علم و فضیلت و ادب برخوردار باشد(1)

مانند فرزندشان حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام که به سبب علم و دانایی که داشتند و همچنین فرزندی به نام فضل داشتند به ایشان کنیه ابوالفضل را دادند ابوالفضل از فضل و دانایی می آید(2).

حضرت علی علیه السلام درباره علم و دانایی حضرت عباس علیه السلام این چنین می فرمایند: «فرزندم عباس در کودکی علم آموخت به سان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می گیرد از من معارف را فرا گرفت» شاید بگویید که حضرت عباس و برادرانش چون فرزندان حضرت علی هستند علم را از حضرت علی فرا گرفته اند بله درست است اما باید بگوییم که آنان از علم مادرشان هم بی بهره نبودند ولیکن رفتارهای خود بانو ام البنین نیز می تواند علم و دانایی و ادب این بانوی بزرگوار را نشان دهد(3)

سرانجام این بانوی بزرگوار با تحمل رنج ها و سختی های فراوان در راه خدا بعد از وفات حضرت زینب کبری سلام الله علیها و به گفته ی برخی مورخان در سال 70 هجری قمری و به گفته ی برخی دیگر در 13 جمادی الثانی سال 64

ص: 34

1- کتاب مادر فضیلت ها زندگینامه ام البنین سلام علیه السلام نویسنده علی آقا جانی قناد صفحه 80

2- کتاب زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نویسنده علامه محقق حاج شیخ باقر شریف قریشی ترجمه سید حسن اسلامی صفحه 14 کتاب ماه ترین تحقیق در زندگینامه و کرامات حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نویسنده باقر شریف قرشی صفحه 24

3- کتاب زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین سلام علیه نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه 22

هجری قمری دعوت حق را لیبک گفتند و به دیار باقی شتافتند و در قبرستان بقیع آرمیدند(1)

ما نیز باید از این بانوی بزرگوار صبوری، محبت، وفاداری علم و فرهیختگی، شجاعت و ایثارگری را بیاموزیم اینها همه درس تقوا و راه رسیدن به بهشت زیبای خداوند هستند.

والسلام علیکم و

رحمت الله وبرکاته

ص: 35

1- کتاب زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین سلام علیه السلام نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

صفحه 24

بخشی از زیارت نامه بانو ام البنین تقدیم به دلدادگان مکتب آن حضرت:

سلام بر تو ای همسر جانشین رسول الله علیه السلام؛

سلام بر تو که محبوب زهرایی؛ سلام بر تو ای مادر ماه های درخشان؛ خدا و رسولش را گواه می گیرم که با اهدای فرزندان و قربانی کردن آن ها در راه آرمان های حسین علیه السلام جهاد نمودی؛ گواهی می دهم که تو یار و یاور امام علی بن ابی طالب علیه السلام در سختی ها، مشکلات و مصیبت ها

بوده ای؛ گواهی می دهم که به خوبی از عهده سرپرستی و نگهداری فرزندان زهرای اطهر علیه السلام و ادای امانت ایشان بر آمدی؛ تو در نزد خداوند از مقام و منزلت بالایی برخورداری؛

سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت!

السلام علیک یا ام البنین، السلام عیک یا ام العباس ابن امیرالمومنین

علی بن ابی طالب علیه السلام، رضی الله تعالی عنک و جعل منزلک و ماواک الجنه و رحمه الله و برکاته (1)

توسل به بانو ام البنین برای حاجت مند شدن بسیار مفید است کسی که حاجت دارد می تواند با توسل به حضرت ام البنین سلام الله علیه و حضرت عباس حاجت بگیرد نمونه های بارزی از توسل به حضرت ام البنین سلام الله علیه و حضرت عباس این است که خود حضرت عباس به شخصی فرمودند که برای حاجت مندی به مادرم ام البنین سلام الله علیه متوسل شوید یا از مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد حسینی شاهرودی (متوفی 17 شعبان

ص: 36

1- کتاب زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین سلام علیه السلام نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

صفحه 26

1394) نقل شده است که فرموده بودند: من در مشکلات صد مرتبه صلوات برای حضرت ام البنین سلام الله علیه می فرستم حاجت می گیرم اینها نمونه هایی بوده که در تاریخ ثبت گردیده است(1)

ولیکن بارها و بارها برای خود من که یک نوجوان کم سن و سال هستم نیز مشکلاتی پیش آمده که با توسل به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و مادر بزرگوارشان حضرت ام البنین سلام الله علیه حاجت گرفته ام مانند چاپ دو کتابم و، یا یک روز که من سخت بیمار شده بودم مادرم 14 صلوات برای حضرت ابوالفضل نذر کردند من به سرعت خوب شدم، یا خودم من همیشه قبل از اینکه کاری را آغاز کنم تعدادی صلوات برای موفق شدن در کارهایم برای بانو ام البنین سلام الله علیه و حضرت عباس نذر می کنم و خدا رو شکر تا به حال و به لطف و کرم این دو بزرگوار در اکثر کارهایم موفق شدم خلاصه مطلب توسل به بانو ام البنین و حضرت عباس برای گرفتن حاجت بسیار مفید است و نشان دهنده عظمت و بزرگواری این دو بزرگوار در نزد خداوند باری تعالی است

ص: 37

1- کتاب زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین سلام الله علیه نویسنده واحد تحقیقات و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان صفحه

یار من گر شود خدای اباالفضل *** از دل و جان کنم ثنای اباالفضل

نیست دروغ آر بگویم این سخن راست *** هست رضای خدا رضای اباالفضل

مرتبه شاهیش دهند به عقبی *** آنکه شد اندر جهان گدای اباالفضل

ناطقه لال است تا که وصف بگوید *** از ادب و حلم و از حیای اباالفضل

گر که بود عقده ای به دل بگشاید *** قدرت دست گره گشای اباالفضل

در دو جهان است چشم جمله محبان *** بر کرم وجود و بر عطای اباالفضل

در دل من کی هوای خلد برین است *** چون که بود بر سرم هوای اباالفضل

جمله شهیدان خوردند غبطه چون بینند *** روز جزا حشمت و علای اباالفضل

در کف زهرا بس این برای شفاعت *** روز مکافات دست های اباالفضل

نیست دو عالم بهای یک سر مویش *** گر که بسنجد خون بهای اباالفضل

با لب خندان به باغ خلد خرامد *** هر که کند گریه در عزای اباالفضل

شکر که «عارفچه» از عطای خداوند *** گشت ز جان منقبت سرای ابوالفضل

جنت و رضوان و حور و کوثر و غلامان *** هست همه آیتی ز خوی ابوالفضل

نور دل حیدر است و شمع شهیدان *** مظهر حق است نور روی ابوالفضل

شمس و قمر شد خجل ز نور جمالش *** مشک ختن شمه ای ز بوی ابوالفضل

خالق اعظم گناه خلق دو عالم *** جمله ببخشد به آبروی ابوالفضل

سروده ای از عارفچه(1)

ص: 39

شعری در وصف زندگی‌نامه بانو ام البنین سلام الله علیها از استاد غلامرضا سازگار

ای فلک یک مه و سپهر سه اختر *** شیرخدا را خجسته همدم و همسر

فاطمه دوم بهشت ولایت *** یار علی، نایب بتول مطهر

یوسف زهرا توجهش به تو بانو *** زینب کبری تو را صدا زده مادر

ام بنین، مام شیر خداوند *** امّ ادب، آفتاب خانه حیدر

خوانده کنیز عزیز فاطمه خود را *** ای به ادب از همه زنان جهان سر

برده به میراث از تو عشق و ادب را *** حضرت عباس را در حضور برادر

کرده نثار قدوم یوسف زهرا *** چار گل سرخ و چار لاله پرپر

ای پسر تو حسین دوم زهرا *** ای به بنیت سلام آل پیمبر

از همگان برترند خیل شهیدان *** رتبه عباس توست زان همه برتر

نیست عجب گر که با زیارت زهرا *** گردد اجر زیارت تو برابر

ص: 40

رویت مانند آفتاب درخشان *** بخت بالاتر از سپهر مدور
غبطه به عباس تو برند شهیدان *** با همه قدر و جلال در صف محشر
زائر باب البقیع توست دل ما *** ای نفس جان به تربت تو معطر
روی ارادت نهاده ایم بر آن خاک *** حاجت دائم گرفته ایم از آن در
روز وفات تو گشت شهر مدینه *** محفل اندوه و اشک و ناله سراسر
کاش که بودند چار دسته گل تو *** تا که زنند از غمت به سینه و بر سر
حیف نه عباس داشتی و نه عثمان *** آه نه عون تو با تو بود نه جعفر
آب شدی در فراق یوسف زهرا *** گر چه تو را بود داغ های مکرر
دوست نه تنها گریست بر تو که می زد *** بر دل دشمن شرار آه تو آذر
در کف عباس توست حاجت کونین *** گر چه جدا گشت و را دو دست ز پیکر
دست جدا گشت و دیده شد هدف تیر *** بر تو و عباس تو سلام هماره

ای پدر و مادرم فدای تو مادر ***گر بگذارند دشمنان تو «میشم»

گیرد چون جان خود مزار تو در بر

ص: 42

دلنوشته من به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

عرض سلام و ارادت دارم خدمت شه خوبان، سقای دشت کربلا، سپهسالار عشق حضرت ابوالفضل العباس

آقا جانم، مهرت آنچنان از کودکی در قلبم جای گرفته که حاضرم به خاطر خدمت کردن به شما و در راه شما از جانم هم بگذرم شما خودت نیز باعث شدی که من اینگونه محبت باشم هر گاه که چیزی می خواهم یا گره ای به کارم می افتد به شما متوسل می شوم و شما دست مهربانت را بر سرم می کشی و گره از کارم می گشایی.

دوستت دارم خان کرم، این کتاب را نوشتم تا بتوانم در عوض تمام خوبی هایی که در حق من کرده ای و می دانم که باز هم خواهی کرد من هم نیز به شما خدمت کوچکی کرده باشم باز هم می گویم که دوستت دارم بزرگترین تکیه گاهم و از شما می خواهم که همیشه تکیه گاهم باشی در دنیا و آخرت و در این زندگی سخت یاورم باشی و اینکه این توفیق را به من بدهی که روزی بوسه بر در حرمت بزخم و از بودن در صحن و سرای حرمت لذت ببرم و اینکه بزرگترین آرزویم این است که به جایی برسم و درآمدی از خودم داشته باشم تا بتوانم با نام و یاد شما دست نیازمندان را بگیرم ای منجی عالم من هر چه دارم از تو دارم

کنیز کوچکت زینب نوری

وضو از چشمه ی مهتاب دارم *** و در سینه دلی بی تاب دارم
خوشا افتادن و زاری به پایت *** شکستن با قنوت ربنایت
دلم را در حرم هشیار کردم *** دعا را خط به خط تکرار کردم
الهی آبرو گیرم به نامت *** سپس عرض ادب باالسلامت
بگو ای نازنین یار گرامی *** تو را باید بخوانم با چه نامی
تو را ای شاهباز سرخ پرواز *** تو مصداق بلند شعر آبی
شفیع هر دعای مستجابی *** تو مضمون بلیع خون و خاکی
امید عاشقان سینه چاکی *** تو را با واژه های ناتمامم
چگونه با چه احساسی به نامم *** و شعر چون منی جز ادعا نیست
که در شان بیان این دعا نیست *** برای واژه سنگین نامت

دعایی خوانده ام با احترامت *** گدای مرقدت را سرمگردان

جسارت نامه ام را بر مگردان *** سلامی با تمام عشق و احساس

نثار حضرت سقایم عباس (1)

ص: 45

1- کتاب هنوز عباس سقااست نویسنده مریم پارسا جو ترجمه منظوم زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام صفحه 5

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانه‌ای

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه‌های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

